شخصی تصمیم گرفت که صدقه ای بدهد؛ صدقه اش را برداشت و بیرون رفت و آن را (ندانسته) به دزدی داد. بامداد مردم می گفتند: دیشب به دزدی صدقه داده شده است.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قَالَ رَجُلٌ لأَتَصَدَّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ فَوَضَعَهَا فِي يَدِ سَارِقٍ، فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ: تُصُدِّقَ عَلَى سَارِقٍ! فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لأَتَصَدَّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ فَوَضَعَهَا في يَدِ زَانِيَةٍ؛ فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ: تُصُدِّقَ اللَّيْلَةَ عَلَى زَانِيَةٍ! فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى زَانِيَةٍ! لأَتَصَدَّقَنَّ بِصَدَقَةٍ، فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ فوَضَعَهَا في يَدِ غَنِيٍّ، فَأَصْبَحُوا يَتَحَدَّثُونَ: تُصُدِّقَ عَلَى غَنِيٍّ؟ فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَارِقٍ وَعَلَى زَانِيَةٍ وعلى غَنِيٍّ! فَأُتِيَ فَقِيْلَ لَهُ: أَمَّا صَدَقَتُكَ عَلَى سارقٍ فَلَعَلَّهُ أَنْ يَسْتَعِفَّ عَنْ سَرِقَتِهِ، وأَمَّا الزَّانِيَةُ فَلَعَلَّهَا تَسْتَعِفُّ عَنْ زِنَاهَا، وأَمَّا الغَنِيُّ فَلَعَلَّهُ أَنْ يَعْتَبِرَ فَيُنْفِقَ مِمَّا آتَاهُ اللهُ»: «شخصی تصمیم گرفت که صدقه ای بدهد؛ صدقه اش را برداشت و بیرون رفت و آن را (ندانسته) به دزدی داد. بامداد مردم می گفتند: دیشب به دزدی صدقه داده شده است. صدقه دهنده گفت: یا الله! تو را شکر - که توفیقم دادی تا صدقه دهم -. و تصمیم گرفت دوباره صدقه دهد و صدقه اش را برداشت و بیرون رفت و (ندانسته) آن را به زنی بدکار داد. بامداد مردم می گفتند: دیشب به زنی بدکار صدقه داده شده است. صدقه دهنده گفت: یا الله! تو را شکر که توفیقم دادی تا صدقه دهم؛ من که نمی دانستم که آن زن، بدکار است. و تصمیم گرفت که دوباره صدقه دهد و صدقه اش را برداشت و بیرون رفت و (ندانسته) آن را به ثروتمندی داد. بامداد مردم می گفتند: دیشب به شخصی بی نیاز صدقه داده شده است. صدقه دهنده گفت: یا الله! تو را شکر- که توفیقم دادی تا صدقه دهم؛- ولی چه کنم که صدقه ام به دست یک دزد، زنی بدکار و یک بی نیاز رسید. به او گفته شد: امید است صدقه ات به دزد، باعث شود که دست از دزدی بردارد؛ و امید است صدقه ات به زنِ بدکار، او را از زنا بازدارد و امید است صدقه ات به شخصِ بی نیاز، باعث شود که او از تو درس بگیرد و از آنچه الله به او داده، انفاق کند».

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم یکی از داستان های امت های گذشته را برای ما بیان می کند تا درس بگیریم؛ اینکه مردی بیرون شد تا صدقه بدهد. و معروف است که صدقه باید به فقیران و افراد مسکین و بی چیز داده شود. اما صدقه ی او در دست دزدی قرار می گیرد. صبحگاه مردم می گویند دیشب به دزدی صدقه داده شده است، درحالی که سارق باید مجازات شود نه اینکه به او مالی داده شود. و فرد صدقه دهنده الله را به خاطر توفیق صدقه دادن شکر و سپاس می گوید. زیرا الله در هر حالی ستوده است. سپس این مرد بیرون شده و می گوید: امشب صدقه می دهم. از قضا این بار صدقه ی او به دست زنی بدکاره می رسد که خود را در اختیار مردم قرار می داد. صبحگاه مردم با یکدیگر در این خصوص سخن می گویند که دیشب به زنی بدکاره صدقه داده شده است و این را نه عقل می پذیرد و نه فطرت. و فرد صدقه دهنده الله را به خاطر توفیق صدقه دادن شکر و سپاس می گوید. سپس می گوید: امشب صدقه خواهم داد - وی گمان می کرد که صدقه اولی و دومی او مقبول نشده است-. و این بار صدقه می دهد و از قضا این صدقه در دست فرد ثروتمندی قرار می گیرد؛ حال آنکه ثروتمند، شایسته دریافت صدقه نیست، بلکه باید ببخشد و هدیه داده و کارهایی از این قبیل انجام دهد. صبحگاه مردم با یکدیگر می گویند: دیشب به ثروتمندی صدقه داده شده است. و فرد صدقه دهندهمی گوید: یا الله! تو را شکر - که توفیقم دادی تا صدقه دهم؛- ولی چه کنم که صدقه ام به دست یک دزد، زنی بدکار و یک بی نیاز رسید. این درحالی بود که وی قصد داشت صدقه اش به دست فقیری بیفتد که آن قدر عفاف و پاکدامنی دارد که از مردم گدایی نمی کند. اما امر الله لاجرم مقدر می شود. بنابراین به وسیله ی پیامبر همان امت به آن شخص گفته می شود: سه صدقه ای که انجام دادی پذیرفته شد؛ چون وی خالصانه صدقه داده بود و نیت خیر داشت، هرچند آنگونه که می خواست نشد. اما امید است که دزد با این صدقه دست از دزدی بردارد و بگوید: این مال برایم کافی است؛ و امید است که زن بدکاره، از زنا دوری کند؛

زیرا چه بسا وی برای کسب مال چنین می کرده و این صدقه او را از زنا کردن برای به دست آوردن مال باز دارد. و امید است که فرد ثروتمند درس بگیرد و از آنچه الله به او داده، انفاق کند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/8414